

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. «فلسطین کلید رمزآلود فرج است» جمله ای بس رازگونه در مورد امری رمزآلود که در دوران ما از دهان مبارکی گفته شد که کلامش ندای حق طلبانه زمانه ماست. و چرا فلسطین؟! سفری کنیم در این دوران به غرب سکولار مدعی لیبرالیسم و نگاهی باندازیم به ظاهر مردم در شهرها و دریابیم شگفتیهای عالم امروزمان را. آن مرد اروپایی آجوب به دست اما چپیه به گردن!! آن دختر اروپایی بی حجاب با دامن کوتاه اما چپیه به گردن با پرچم فلسطین منقش بر روی پیشانی! آن جوان بزرگ شده در قلب اروپا با ظاهری محجوب و فریادهای طنین اندازش که «فلسطین را رها کن» و «به نسل کشی پایان ده» در تظاهراتی در قلب اروپا و بالا بردن عکس خانم سحر امامی توسط آن جوان و ابراز افتخار به داشتن چنین زنانی؛ همان جوان در مجلس عزاداری اباعبدالله در قلب اروپا سینه زنان و اشک ریزان!! آری درست شناختمش همان بود، از او پرسیدم خودش بود. جوانی بسی آشنا، آشناتر از هر آشنا و خویشاوندی، آشنایی در حد در آغوش گرفتن. جوانی که در اروپا متولد و بزرگ شده و به جای حضور در تظاهرات فلسطین و اشک ریختن و سینه زدن در عزاداری امام حسین (ع)، می‌توانست هزار کار و تفریح متنوع انجام دهد ولی چیست که او را به این راه می‌کشاند!!! برگردیم به کشور خودمان، به جای آن شعارهای پوچ فروکش کرده و محو شده «نه غزه نه لبنان...» اینک آن خانم‌های به ظاهر بدحجاب ولی با عشق رهبری در دل، مرگ بر اسرائیل گویان!!! در نقطه مقابل آن به ظاهر روشنفکران غربگرایی که از زمان شروع جنایت و کودک کشی در غزه گویی لال شده اند و آن سلبریتی‌های غرب پرستی که کمترین جرمشان این سکوت کر کننده است بعد از شهادت اخیر بیش از هزار نفر از هموطنان عزیزمان!!! روشنفکر باسواد یا سلبریتی بی سواد فرقی نمی‌کند، وجه مشترک هر دو اوج بی هویتی و پوچی که نسل کشی در فلسطین اکنون از آن پوچی پرده برداشته! و آن به ظاهر متدینین و متشرعین خوش خیالی که هنوز در آرزوی دیندارانه زیستن در کنار غرب وحشی حامی صهیونیسم هستند و در فکر آنند که چه سیاستی باید در قبال غرب پیش گرفت تا هم بتوان دینداری کرد و هم اینکه گربه شاخمان نزنند!!! آیا اینها همه و همه حکایت از آن ندارد که گویی موضوع ظلم در فلسطین انسان‌ها را در دنیا غربال می‌کند و بی موضع و بی طرف بودن نسبت به آن مساوی می‌شود با پوچی و بی معنایی در زندگی، هر کجا که فرد می‌خواهد باشد با هر وضع مالی و هر جایگاه اجتماعی؟! و آیا بی موضع بودن نسبت به این ظلم آشکار مساوی نیست با سهیم بودن در بی‌آیندگی تمدن غرب استوار بر پایه‌های لرزان سکولاریسم؟ همان بی‌آیندگی که تمدن معاویه‌ی بعد از شهادت ابا عبدالله به آن دچار شد و مردمی غفلت زده که شیفته و فریفته شکوه ظاهری و زرق برق

دستگاه معاویه شده بودند. شیفتگی و فریفتگی از نوع همین شیفتگان کنونی تمدن غرب و کورانی که از دیدن ظلمات پنهان شده در پشت این تمدن دروغین عاجزند. تمدنی و عالمی که بودن در آن منتهی می‌شود به اوج روزمرگی، افسردگی و بیهودگی حتی با وجود نماز خواندن، حج رفتن و متشرع زندگی کردن!!! آیا در روزگار ما این مسئله فلسطین نیست که موضع گیری درست در قبال آن و حضور یافتن در صحنه های مرتبط با آن مساوی می شود با معنادار شدن زندگی و احساس شور و شغف و نور ایمان در درون خود؟ احساس نور ایمانی که از بی نماز نماز خوان می سازد و از بی حجاب باحجاب! با عرض ارادت و التماس دعا استاد بزرگوار

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است و چه اندازه موضوع را خوب به میان آورده‌اید. آری! زمانه، بسی حساس است و چه سخن بلندی است سخن رهبر معظم انقلاب که فرموده‌اند: «قضیه فلسطین، کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است.» بخواهیم و یا نخواهیم حقیقت جز این نیست هرچند جبهه استکبار گمان می‌کند که با قدرت و با رسانه می‌تواند موضوع فلسطین را تمام کند. تصویری که سال‌ها پیش بر اساس همین تصور، کشتار صبرا و شتیلا را به پا کرد و گمان کردند کار فلسطین تمام شده، و عجیب است که نه تنها تمام نشد، بلکه در صحنه باریکه غزه، کار برای جبهه استکبار پیچیده و پیچیده‌تر گشت؛ هرچند هنوز به گمان آن‌ها به گفته اخیر ترامپ احمق، غزه دیگر تمام است و عجیب است که دنده‌های از سینه برآمده آن کودکان گرسنه چه غوغایی به پا کرده و چه عبرت بزرگی است فلسطین برای فهم معنای آینده جهانی که در پیش است. استکبار با تمام قوا گمان می‌کرد لااقل غزه را تمام کرده و حال با بحران خود روبه‌رو شده است. آیا الهام الهی که بر قلب شهید سنوار عزیز القاء شد، تا طوفان الاقصی را به میان آورد، چیز کمی بود؟ از آن جهت که امروز غزه مرکز جهان شده است؟

چه اندازه همان‌طور که فرموده‌اید ذیل دفاع فلسطین، آن انسان‌ها در اقصی نقاط جهان به یکدیگر نزدیک شده‌اند و از آن طرف، آری! فلسطین ملاک رسوایی غرب‌زدگان لیبرالی شده‌اند که معنایی از انسانیت را در خود کشته‌اند. چه کسی باور می‌کرد که خداوند گاهی از طریق افرادی که فاسق هستند، دین خود را یاری می‌کند همچون نتانیا هوی خبیث و ما از طرف دیگر از این طریق به عظمت شخصیت‌هایی همچون شهید سنوار می‌توانیم پی ببریم که چه صحنه پیچیده‌ای را پیش آوردند که دشمن با همه امید برای پیروزی، اکنون گرفتارترین جریان موجود شده است. و ما در عین آنکه سخت از نظر روحی و عاطفی در فشار هستیم ولی لازم است که صحنه را از زاویه‌ای که موجب عبرت تاریخی می‌شود مد نظر قرار دهیم امری که رهبر معظم انقلاب در آن سخن خود در ۲۵ فروردین ۱۳۸۵ متذکر شده‌اند که جایگاه تاریخی جریان فلسطین تا کجاها عبرت آموز خواهد بود. علاوه براین خوب است به نکاتی که آقای یونس محمدی متذکر شده‌اند نیز، بیندیشیم.

موفق باشید <https://eitaa.com/zaghsefid/۱۴۱۵۵۴>